

Relationship of Reasonable and Equitable Principle and No-harm Principle in the International Watercourses Law based on the 1997 Convention

(Type of Paper: Research Article)

Negin Shafiei Bafti^{1*}, Shima Soleimani²

Abstract

International Water Law like other legal branches is composed a set of substantive and procedural principles. In fact, international legal community has established different legal principles in order to solve the problem of allocation and distribution of international watercourses. Two of the most important of these principles that are widely accepted in international law, the practice of governments, the works of legal scholars, case law and jurisprudence, are equitable and reasonable principles and no harm principle. The prevailing view is that the principle of equitable and reasonable use is given priority and the principle of non-harm is in subordinat to this principle. A deeper look at the articles of the 1997 Convention and other legal documents in this field and judicial judgments shows that the principle of non-harm is an independent principle in international water law that there is no conflict between this principle and the principle of equitable and reasonable.

Keywords

International Watercourses, Equitable and Reasonable Use Principle, No-harm Principle, Watercourse Convention, Helsinki Rules.

-
1. Assistant Prof., Department of Law, Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran (Corresponding Author). Email: n_shafiei@uk.ac.ir
 2. MA. in International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.
- Received: February 23, 2019 - Accepted: March 1, 2021



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

ارتباط میان اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول و اصل منع آسیب در حقوق بین‌الملل آبراهه‌ها با تأکید بر کنوانسیون ۱۹۹۷

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

نگین شفیعی بافتی^{۱*}، شیما سلیمانی^۲

چکیده

حقوق بین‌الملل آب همچون سایر رشته‌های حقوقی از مجموعه‌ای از اصول ماهوی و شکلی تشکیل شده است. در واقع جامعه حقوقی بین‌المللی اصول حقوقی ماهوی و شکلی متفاوتی را برای رفع مشکل تخصیص و توزیع آبراهه‌های بین‌المللی مقرر کرده است. از مهم‌ترین اصول ماهوی که به‌طور گسترده‌ای در حقوق بین‌الملل، رویه دولت‌ها، آثار معتبر نویسندگان حقوقی، حقوق موضوعه و رویه قضایی پذیرفته شده، دو اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول و اصل منع آسیب شایان توجه است. نظریاتی گوناگون در خصوص ارتباط و نحوه اجرای این دو اصل مطرح شده است. دیدگاه غالب حقوقدانان مبتنی بر برتری اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول و تلقی اصل منع آسیب به‌مثابه تابع اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول است. با نگاهی عمیق به مواد کنوانسیون ۱۹۹۷، سایر اسناد حقوقی در این زمینه و همچنین آرای قضایی می‌توان دریافت که اصل منع آسیب، اصل ماهوی مستقلی در حقوق بین‌الملل آب است که تقابلی میان آن و اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول وجود ندارد.

کلیدواژگان

آبراهه‌های بین‌المللی، اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول، اصل منع آسیب، کنوانسیون حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی آبراهه‌های بین‌المللی ۱۹۹۷، قواعد هلسینکی.

۱. استادیار بخش حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول).
Email: n_shafiei@uk.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

مقدمه

جهان با بحران آب روبه‌روست، به‌گونه‌ای که برخی صاحب‌نظران، قرن بیست‌ویکم را قرن آب می‌دانند. با افزایش اختلافات و تنش‌ها به‌دلیل رشد جمعیت و روند توسعه، وضعیت نگران‌کننده منابع آب شیرین، به‌ویژه در کشورهای حوضه رودخانه‌های بین‌المللی و احساس نیاز هرچه بیشتر دولت‌ها به آب و به‌دنبال آن بهره‌برداری‌های بی‌رویه برخی کشورها، توجه جامعه جهانی را بیش از پیش به موضوع مدیریت منابع آبی مشترک جلب کرده است. از ابتدای شکل‌گیری سازمان ملل متحد مطالعاتی در این زمینه صورت گرفته و تلاش شده است تا الزامات و چارچوب‌های حقوقی مشخصی برای بهره‌برداری از این منابع در نظر گرفته شود. در واقع جامعه بین‌المللی برای کاهش مشکلات تخصیص آب، اصول حقوقی متفاوتی را در طول زمان وضع کرده است.

حقوق بین‌الملل آب همچون سایر رشته‌های حقوقی از مجموعه‌ای از اصول ماهوی و شکلی تشکیل شده است. اصول ماهوی به حقوق و وظایف قانونی دولت‌ها، مثل اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول و اصل منع آسیب قابل توجه به سایر دولت‌ها مربوط می‌شود و اصول شکلی به بیان رویه‌های شکلی و چگونگی به‌کارگیری و اجرای اصول ماهوی می‌پردازد. در این میان، دو اصل از جایگاه والایی برخوردارند: اول، حق بهره‌برداری از آبراهه‌های بین‌المللی در حالتی منصفانه و معقول از سوی کشورهای حوضه این آب‌ها و دوم، لزوم احتیاط دولت‌ها در بهره‌برداری، مبنی بر منع ورود آسیب شایان توجه به سایر دولت‌ها.

محتوا و ارتباط میان این دو اصل در زمینه حقوق بین‌الملل آبراهه‌ها، در اقدامات صورت‌گرفته توسط انجمن و مؤسسه حقوق بین‌الملل در اسنادی چون قواعد هلسینکی، قواعد برلین، طرح آبخوان‌های بین‌المللی روشن نشده است. این مسئله در کنوانسیون حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراهه‌های بین‌المللی ۱۹۹۷ سازمان ملل نیز (که از مهم‌ترین اسناد حقوقی سخت در این حوزه است)، توصیف نشده است. این در حالی است که ارتباط میان این دو اصل ضمن اینکه در شناخت مفهوم هر یک، جایگاه دیگری و کارکرد عملی آنها مؤثر است، موضوعی بحث‌برانگیز است و این ارتباط حل‌نشده، حفظ موقعیت‌های متعارض میان دولت‌ها را در پی داشته است.

کشورهای پایین‌دست حوضه آبراهه‌های بین‌المللی، طرفدار اصل منع آسیب و برتری آن‌اند، زیرا از فعالیت‌های انجام‌گرفته دولت‌های بالادست که به آسیب آنها منجر می‌شود، جلوگیری و از موارد استفاده موجود حمایت می‌کند. در مقابل، کشورهای بالادست موافق اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول و اولویت آن‌اند، زیرا امکان استفاده از سهم آنها از آبراهه‌ها حتی در خصوص فعالیت‌هایی را فراهم می‌کند که ممکن است به آسیب به کشورهای پایین‌دست منجر شود،

(Mangesha, 2015: 402). برای مثال، ترکیه در توضیحات خود در زمان رأی‌گیری برای تصویب کنوانسیون ۱۹۹۷، به‌وضوح برتری را به اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول داد و دولت استونی، در ماده ۷، یعنی اصل منع آسیب را دلیل عدم الحاق خود به کنوانسیون اعلام کرد. (Fisseha, 1997: 6) بنابراین روشن ساختن کاربرد و حوزه شمول این دو اصل ضرورت دارد. در مقاله پیش‌رو با بررسی اسناد حقوق موضوعه، نظرهای برجسته‌ترین حقوقدانان و همچنین برخی از مهم‌ترین آرای قضایی، ضمن تبیین مفهوم، ماهیت و جایگاه حقوقی این دو اصل و ارتباط میان دو اصل مذکور و آثار حقوقی مترتب بر آن به روش توصیفی - تحلیلی بررسی می‌شود. پس در این مقدمه، ابتدا به بررسی جایگاه اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول و اصل منع آسیب قابل توجه در کنوانسیون ۱۹۹۷ می‌پردازیم، سپس نظریات حقوقدانان در خصوص جایگاه این دو اصل را واکاوی می‌کنیم. در پایان، ضمن اشاره به دو نمونه از آرای دیوان بین‌المللی دادگستری، جایگاه این دو اصل در رویه قضایی بررسی خواهد شد. پیش از بررسی کنوانسیون ۱۹۹۷ شناخت مفهوم و ماهیت این دو اصل ضروری می‌نماید.

مفهوم و ماهیت اصول ماهوی حقوق بین‌الملل آب

۱. مفهوم و ماهیت اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول

از مهم‌ترین اصول ماهوی که به‌طور گسترده در حقوق بین‌الملل، رویه دولت‌ها، آثار معتبر نویسندگان حقوقی و حقوق موضوعه پذیرفته شده، اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول است. این اصل ابتدا در دادگاه‌های داخلی و نیز دیوان عالی دولت‌هایی چون ایالات متحده آمریکا و سایر دولت‌های فدرال برای کاربرد در خصوص منابع آبی مشترک میان ایالت‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است (Stanford law Review, 1959: 681-683) و اکنون پایه‌های آن در حقوق بین‌الملل عرفی مشهود است. بررسی موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، عقاید علمای حقوق بین‌الملل و تصمیمات صادره از سوی دیوان‌های بین‌المللی و دادگاه‌های داخلی، مبین پذیرش و مقبولیت این اصل در جامعه بین‌المللی است.

براساس بخش ۲ اصل ۳ قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، دیوان عالی در دعاوی قضایی میان ایالت‌ها، صلاحیت ذاتی و انحصاری دارد (28 U.S.C. § 1251). اولین اختلاف آبی که به موجب آن، این صلاحیت توسط دیوان مورد توجه قرار گرفت، اختلاف میان ایالت‌های کانزاس و کلرادو در خصوص انحرافات صورت‌گرفته از سوی کلرادو در مسیر رودخانه آرکاناس بود. دیوان مقرر کرد: «هر ذی‌نفع، مالک یا متصرف، حق بهره‌برداری معقول برای استفاده‌های مفید خود، استفاده خانگی، کشاورزی، کارخانه، تولید و غیره را دارد و متصرف دیگر نمی‌تواند آبراهه را منحرف کند، مانع ایجاد کند، بهره‌برداری غیرمعقولی نماید و موجب محرومیت سایر

متصرفین از منافع اساسی گردد که امکان بهره‌مندی برای آنها وجود دارد» (Kansas v. Colorado, 1902: 185 US 125).

دیوان بعد از این مورد، صلاحیت خود را به موارد دیگر با هدف حل اختلافات آبی میان دولت‌ها تعمیم داد، به گونه‌ای که به باور برخی حقوقدانان، امروزه آرای آن، خود، به منبعی تأثیرگذار بر حقوق بین‌الملل تبدیل شده است. آرای مذکور مبنای دکتترین تقسیم منصفانه برای حل اختلافات میان دولت‌ها در خصوص منابع آبی مشترک را فراهم کرد و در نهایت به شکل‌گیری اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول در حقوق بین‌الملل انجامید (Sherk, 2006: 210-213). اصل بهره‌برداری منصفانه برای اولین بار در قالب تعهدی بین‌المللی در معاهده ۱۹۰۹ کانادا و ایالات متحده آمریکا در خصوص رودخانه مرزی نیاگارا مورد اشاره قرار گرفت (Bheusaheb, 2017: 37). سپس در اسناد حقوقی متعددی وارد شده و در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری نیز مانند قضیه گابچیکو-ناگیماروس به صراحت شناسایی شد.

اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول به این معناست که هیچ دولتی نمی‌تواند در مورد منابع آبی فرامرزی درون حاکمیت خود آن گونه که دوست دارد، برخورد یا از آنها استفاده کند و دولت‌ها باید رفتاری معقول و منصفانه در خصوص این آب‌ها داشته باشند (Canadian Yearbook of International Law, 1997: 216). البته این به معنای لزوم تخصیص مقدار مشابه آب، برای تمام دولت‌ها نیست. اعمال این اصل بر مبنای مشخصه‌های غیرانحصاری متفاوتی چون نیازهای جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی، ساختار اکولوژیکی و آب‌شناسی و بسیاری موارد دیگر صورت می‌گیرد که در اسناد حقوقی متعددی چون کنوانسیون ۱۹۹۷ به آنها اشاره شده است. به نظر می‌رسد بهره‌برداری منصفانه و معقول، در عین اینکه در یک قالب بیان می‌شوند، دو اصل جداگانه با معانی متفاوت‌اند که در ارتباط بسیار نزدیک با یکدیگرند و در بسیاری موارد با یکدیگر اشتباه گرفته می‌شوند.

بهره‌برداری منصفانه در مواردی کاربرد دارد که تقسیم کلیت آبراهه‌های بین‌المللی میان ملت‌ها و منافع آنها از جمله حفظ منافع اکولوژیکی، ماهیگیری و کشتیرانی مطرح است، اما در بهره‌برداری معقول به این نکته توجه می‌شود که آیا میان بهره‌برداری از آب و هدف مورد استفاده آن، رابطه منطقی وجود دارد یا خیر؟ در واقع، استفاده منطقی، انعطاف‌پذیری بیشتر و قابلیت پاسخگویی در مقابل تغییرات طبیعی، سیاسی و اقتصادی کشورها را به همراه دارد (Margaret, 2010: 154-155). در حالی که اصل بهره‌برداری منصفانه برخاسته از اصل حقوقی برابری حاکمیت دولت‌ها و مولود اصل تقسیم و تخصیص منصفانه است که به دولت‌ها اجازه استفاده از آبراهه‌های مشترک بر مبنای اصل برابری را می‌دهد. به‌طور خلاصه، بهره‌برداری منصفانه به موضوع تقسیم آب با دیگر دولت‌ها و بهره‌برداری معقول به استفاده‌های خاص درون یک کشور مرتبط می‌شود (Special Reporter, 2004: 21-23).

۲. مفهوم و ماهیت اصل منع آسیب در حقوق بین‌الملل

اصل منع آسیب علاوه بر اینکه اصلی شناخته‌شده در حقوق بین‌الملل است، از اصول ماهوی و راهنما در حقوق بین‌الملل آب است که امروزه به اصلی عرفی تبدیل شده است. دولت‌ها طبق آن موظف به جلوگیری از ورود آسیب به سایر دولت‌ها و اتخاذ اقدامات لازم برای جلوگیری، کاهش و کنترل آسیب هستند (Birine *et al.*, 2009: 143, 152). همچنین، به موجب مواد طرح مسئولیت دولت‌ها در خصوص اقدامات متخلفانه بین‌المللی، ورود آسیب شایان توجه به سایر دولت‌ها، مسئولیت بین‌المللی دولت واردکننده و لزوم جبران خسارت با هدف اعاده وضع به حال سابق را در پی دارد.

اصل منع آسیب از اصل حاکمیت سرزمینی محدود دولت‌ها ریشه می‌گیرد که طبق آن همه کشورهای حوضه آبراه‌های بین‌المللی از حق برابر برای بهره‌برداری از آب‌های این حوضه برخوردارند، اما باید به حقوق حاکمیتی سایر کشورهای این حوضه و استفاده برابر آنها احترام بگذارند. اجماع کلی در جامعه بین‌المللی وجود دارد که این اصل از مبانی بنیادین حقوق بین‌الملل آبراه‌ها و کنوانسیون ۱۹۹۷ است. ورود این اصل در این کنوانسیون و قرار دادن آن ذیل اصول کلی، مبین این موضوع است (Mangesha: 2015: 392-394). به عبارت دیگر، به موجب اصل منع آسیب، حقوق حاکمیتی دولت‌ها بر منابع طبیعی محدود شده است.

تاریخچه شکل‌گیری این اصل در حقوق بین‌الملل محیط زیست، به قضیه تریل اسملتر (اختلاف میان آمریکا و کانادا) باز می‌گردد (Trail Smelter, 1935: 1965). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه کانال کورفو با استناد به اصول کلی حقوق بین‌الملل از جمله اصل منع آسیب، رأی خود را صادر کرد (ICJ Rep, 1949: para. 22). در هر دو این آراء، به اصل منع آسیب برای تعیین مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در خصوص خسارات وارده توسل شده است که مبین عرفی بودن آن در حقوق بین‌الملل به‌ویژه در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست است. به این اصل در آرای دیگری از دیوان از جمله رأی مشورتی دیوان در خصوص مشروعیت تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و کارخانه خمیر کاغذ نیز استناد شده است (Mayor, 2016: 82).

اصل منع آسیب شایان توجه از دیرباز در بسیاری از اسناد حقوقی وارد شده است. از جمله ماده ۳ طرح مواد جلوگیری از آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک، دولت‌ها را ملزم به جلوگیری از ورود آسیب‌های فرامرزی شایان توجه و ارزیابی احتمالی آنها کرده است. اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل ۶ اعلامیه ریو نیز پایه‌های حقوقی این اصل را مقرر می‌کنند. بنابراین، اصل منع آسیب‌رسانی به‌طور گسترده‌ای در زمینه منابع مشترک از جمله منابع آبی به‌عنوان اصلی عرفی شناسایی شده است. خلاصه اینکه، اصول منع آسیب، بهره‌برداری منصفانه و معقول و نیز حاکمیت مشترک و محدود دولت‌ها، خاستگاه حقوق بین‌الملل آب را تشکیل می‌دهند (Arshalan & Wood, 2003: 106).

جایگاه اصول ماهوی حقوق بین الملل آب در اسناد بین المللی

تلاش‌های جامعه بین‌المللی به‌ویژه مؤسسه و انجمن حقوق بین‌الملل برای تدوین اصول ماهوی و شکلی حقوق بین‌الملل آب در مجموعه‌ای از اسناد صورت گرفته است که در ادامه به‌اجمال مهم‌ترین آنها یعنی کنوانسیون ۱۹۹۷ بررسی می‌شود. پیش از پرداختن به مواد کنوانسیون، بررسی قواعد هلسنیکی به‌عنوان اولین سند جامع در این حوزه خالی از فایده نیست.

۱. اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول و منع آسیب قابل توجه در قواعد هلسنیکی

انجمن حقوق بین‌الملل در راستای رسالت خود با تشکیل کارگروهی ویژه، اولین تلاش خود را در سال ۱۹۶۶ در قالب قواعد هلسنیکی منتشر کرد. این سند که دارای شش فصل و ۳۷ ماده است، مجموعه‌ای جامع از اصول حقوقی برای بهره‌برداری از آبریزهای بین‌المللی و شامل رویه‌هایی برای حل اختلافات آبی و اصولی برای همکاری، نحوه استفاده از این آب‌ها و جلوگیری از آلودگی آنهاست (Margaret, 2012: 154). قواعد هلسنیکی به آب‌های درون حوضه‌های آبریز بین‌المللی اختصاص دارد و در زمره اولین اسناد جامع در این حوزه است.

تأکید قواعد هلسنیکی بر بهره‌برداری منصفانه از آب‌های حوضه آبریزهای بین‌المللی است. در فصل دوم این سند تحت عنوان استفاده منصفانه از آب‌های حوضه آبریزهای بین‌المللی در ۵ ماده به بیان این اصل پرداخته می‌شود. به موجب ماده ۴: «هر دولت در درون سرزمین خود حق دارد از تقسیم منصفانه و معقول بهره‌برداری‌های سودمند (مفید) آب‌های درون حوضه‌های آبریز بین‌المللی بهره‌مند شود». این سند برای بیان اصل حاکمیت محدود و مشترک از عبارت بهره‌برداری منصفانه و معقول استفاده کرده است که امروزه از سوی جامعه بین‌المللی پذیرفته شده است.

در ادامه تعریف این اصل، در بند ۱ ماده ۵ مقرر شده است: «تعیین تقسیم منصفانه و معقول مذکور در ماده قبل، باید بر مبنای تمامی مشخصه‌های مربوط در هر مورد و نمونه خاص صورت گیرد» و در بند ۲ این ماده، ۱۱ مشخصه غیرانحصاری لازم برای اعمال اصل منصفانه و معقول بیان می‌شود. این سند در مورد آخر، مقدار آب لازم برای تأمین نیازهای یک کشور حوضه را بدون ایراد آسیب قابل توجه به کشور دیگر مورد توجه قرار می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود در این بند به اصل منع آسیب قابل توجه به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول اشاره شده و ماده‌ای جداگانه برای بیان این اصل اختصاص نیافته است. در ادامه، بند ۳ این ماده نیز به‌صراحت حکایت از عدم اولویت هر یک از موارد ذکر شده در آن دارد.

نظریه غالب در قواعد هلسنیکی، اولویت اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول است. اولین استدلال این است که در ماده ۵ این قواعد (که شاخصه‌های لازم برای برابری و انصاف را بیان می‌کند)، به اصل منع آسیب نیز در بند ۱۱ ارجاع داده شده است (Wegerich & Olsson).

(710: 2010) به عبارت دیگر، آسیبی که به واسطه یک نوع استفاده ممکن است به یک آبراهه وارد شود، فقط به مثابه عنصری برای اندازه‌گیری و در واقع معیاری برای منصفانه و معقول بودن بهره‌برداری در نظر گرفته شده است (Caflich, 1998: 8-9). برخلاف کنوانسیون ۱۹۹۷ (که در ادامه به آن خواهیم پرداخت)، در قواعد هلسینکی، آسیب به عنوان یک معیار باید در تمام ارزیابی‌ها و نه فقط در بهره‌برداری منصفانه مفروض انگاشته شود. این موضوع اهمیت بسیار دارد، زیرا طبق قواعد هلسینکی بهره‌برداری که به آسیب قابل توجه منجر می‌شود، می‌تواند طبق اصل بهره‌برداری منصفانه توجیه و تعدیل شود (Abu-zeid, 2001: 30).

طبق قواعد هلسینکی، استفاده از آب‌های این حوضه توسط یک کشور که به آلودگی و در نتیجه آسیب به کشور دیگر منجر می‌شود، باید از دورنمای کلی بهره‌برداری منصفانه مفروض انگاشته شود و هر نوع استفاده از آب‌های این حوضه که تقسیم منصفانه را انکار می‌کند، تخطی از حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. از این رو دولتی که به دنبال بهره‌برداری خود، به آلودگی منجر شود، نیازمند اتخاذ اقداماتی در جهت رفع آلودگی نیست که ممکن است آن را از بهره‌برداری منصفانه محروم کند و مسئولیتی در این زمینه ندارد (Utton, 1996: 295). در نتیجه، بیشتر حقوقدانان به صراحت برتری را به اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول در این سند می‌دهند و اصل منع آسیب قابل توجه را تابع این اصل قلمداد می‌کنند.

۲. اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول و اصل منع آسیب در کنوانسیون ۱۹۹۷

کنوانسیون ۱۹۹۷ با هدف استفاده، توسعه، حفاظت و مدیریت آبراهه‌های بین‌المللی و استفاده پایدار و بهینه در ۳۷ ماده تدوین شده است. در مواد ۵ تا ۷ در مقام بیان اصول کلی بدون ارائه تعریفی دقیق به این دو اصل اشاره می‌شود. بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «کشورهای حوضه آبراهه‌های بین‌المللی باید درون سرزمین مورد احترام خود، از آبراهه‌های بین‌المللی در حالتی منصفانه و معقول استفاده کنند. به طور خاص استفاده و توسعه آبراهه بین‌المللی توسط کشورها باید با هدف بهره‌برداری پایدار و بهینه از آن و منافع موجود در آن و با توجه به منافع کشورهای مربوطه در راستای حمایت کافی از آبراهه صورت گیرد». بند ۲ ماده ۵ در ادامه بیان می‌کند: «کشورهای حوضه آبراهه‌های بین‌المللی باید در بهره‌برداری، توسعه و حفاظت از یک آبراهه بین‌المللی در حالتی منصفانه و معقول مشارکت کنند. چنین مشارکتی شامل حق بهره‌برداری از آبراهه و نیز وظیفه همکاری، حفاظت و توسعه آن، آن گونه که در کنوانسیون حاضر مقرر شده است، می‌شود».

این ماده با وضع اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول در بند ۱ و لزوم مشارکت منصفانه در بند ۲، حقوق و وظایف قانونی دولت‌ها را در خصوص استفاده و بهره‌برداری از آبراهه‌های بین‌المللی بیان می‌کند. در ادامه به کارگیری این اصل منوط به اعمال مجموعه‌ای از عوامل غیرانحصاری در بند ۱ ماده ۶ می‌شود که در راستای هدف و کارکرد موجود در اصل

بهره‌برداری منصفانه و معقول، به‌منظور لحاظ منافع متعارض کشورهای حوضه آبراهه‌های بین‌المللی و لزوم ایجاد تعادل میان آنها ضروری می‌نماید. از آنجا که طبق بند ۳ این ماده، اهمیت هر یک از این عوامل در ارتباط با سایر عوامل است و هیچ‌کدام بر دیگری برتری ذاتی ندارد، نتیجه اعمال این اصل در هر مورد خاص می‌تواند متفاوت باشد و با توجه به شرایط خاص هر آبراهه و کشورهای حوضه آن تغییر کند.

به اصل منع آسیب قابل توجه نیز که یکی دیگر از اصول ماهوی حقوق بین‌الملل آب و در ارتباط تنگاتنگ با اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول است، به‌طور جداگانه اشاره شده و برخلاف اسناد پیشین چون قواعد هلسینکی، در مجموعه شروط لازم برای اصل بهره‌برداری منصفانه قرار داده نشده است. ماده ۷ در بیان اصول کلی حاکم بر آبراهه‌های بین‌المللی مقرر می‌دارد: «کشورهای حوضه آبراهه‌های بین‌المللی در هنگام استفاده از این آبراهه‌ها درون سرزمین‌های تحت حاکمیت خود، باید اقدامات لازم برای جلوگیری از آسیب وارده به دیگر کشورهای این حوضه را اتخاذ نمایند». در ادامه، کشورها موظف‌اند در صورت ورود چنین آسیبی و در فقدان موافقت‌نامه‌ای خاص، اقدامات لازم را با در نظر گرفتن شروط مقرر در مواد ۵ و ۶ این کنوانسیون و با مشورت با کشور آسیب‌دیده، برای خاتمه یا کاهش آسیب وارد شده و در صورت لزوم پرداخت غرامت لازم انجام دهند».

تأکید بر جلوگیری از ورود آسیب در این کنوانسیون همچون لزوم بهره‌برداری منصفانه و معقول حائز اهمیت بسیار است و از آنجا که اصلاح یا متوقف کردن فعالیتی که دیر زمانی است آغاز شده، دشوار و بسیار پیچیده و هزینه‌بر است، در صورت امکان می‌توان غرامت پرداخت کرد. به‌طور خلاصه در مذاکرات مربوط به مواد ۵، ۶ و ۷ به‌طور مؤثر، استفاده همه کشورهای حوضه به‌طور منصفانه و معقول از آبراهه و مزایای ناشی از آن با هدف رسیدن به یک راه‌حل است. این احتمال وجود دارد که راه‌حل متضمن پرداخت غرامت برای رسیدن به توازن منصفانه میان موارد کاربرد و مزایای موجود باشد (شولی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۵). به‌طور کلی، اصول مندرج در این مواد مکمل یکدیگرند. با وجود این، مواد ۵ تا ۷ کنوانسیون بیشترین نگرانی و انتقادات را میان دولت‌های این حوضه ایجاد کرده است. بیشتر حقوق‌دانان معتقدند که تفسیر آکادمیک از نحوه بیان این اصول، مبین برتری اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول است و برخلاف ظاهر آن، کنوانسیون خواهان برابری دو اصل نیست (Amdetsion, 2012: 180). بنابراین، نظریاتی مختلف و اختلافاتی متعدد را میان دولت‌ها مطرح کرده است. این دسته از حقوق‌دانان دلایل متعددی را برای این دیدگاه ارائه می‌کنند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

در ابتدا گفته شده است که طبق مواد ۵ تا ۷ کنوانسیون، هر کشور دارای آبراهه بین‌المللی ممکن است از طریق اقدامات خود آسیبی قابل توجه به سایر کشورها وارد کند. از این‌رو، باید این آسیب را بر مبنای اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول خاتمه یا کاهش دهد. طبق ماده ۷

کنوانسیون ۱۹۹۷ حق کشورهای پایین دست برای استفاده از آبراهه‌های بین‌المللی، باید به وسیله اصل منع آسیب از لحاظ کیفی تحت نظارت باشد، مگر در مواردی که اجازه بهره‌برداری منصفانه داده شده باشد (Kassa, 2013: 148-149). به بیان بهتر، این امکان وجود دارد که دولت‌ها در راستای بهره‌برداری منصفانه و معقول خود، زیانی را به سایر دولت‌ها وارد کنند و مسئولیتی در این زمینه متوجه آنها نباشد.

طبق مواد کنوانسیون در مواردی که زیانی قابل توجه به دولتی وارد آید، دولت واردآورنده زیان ملزم به خاتمه یا کاهش زیان وارده است، بی‌آنکه به روند بهره‌برداری این دولت خدشه‌ای وارد شود و باید اقدامات لازم و مقتضی برای جبران آسیب اتخاذ شود. مفهوم ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۹۷ این است که در صورت ورود زیانی قابل توجه، باید نحوه استفاده دولت واردآورنده بررسی شود در مورد اینکه آیا در محدوده استفاده منصفانه و معقول بوده است یا خیر؟ این مسئله برخاسته از الزام خاص دولت برای جبران خسارت در مواردی است که با وجود برابری استفاده دولت‌ها، اقدام آن، سبب ورود زیانی قابل توجه می‌شود و نباید آن را موجب برتری اصل منع آسیب قلمداد کرد (Mangesha, 2015: 409). دیدگاهی که بر مبنای شروط مذکور در کنوانسیون مورد استنباط قرار گرفته، مبین آن است که دولت‌ها باید همواره توجه لازم را در زمان ورود زیان به اصل بهره‌برداری داشته باشند. این در حالی است که تعهد متقابل مزبور در فرض عکس آن وجود ندارد.

بنابراین، اگرچه از نحوه ارتباط و تأثیر این دو اصل در کنوانسیون، این گونه برداشت می‌شود که کنوانسیون برابری دو اصل را در دستور کار خود قرار داده است، اما در مواردی که کشوری از آبراهه‌های بین‌المللی به‌طور منصفانه و معقول بهره‌برداری کند، نباید انتظار دیگری از آن داشت، زیرا منع آسیب از جانب آن مبتنی بر نتیجه نیست و تلاش آن در این زمینه کفایت می‌کند. از این رو، باید اصل بهره‌برداری را حاکم بر عدم منع آسیب دانست (Fisseha, 1997: 18). کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در تفسیر ماده ۷ می‌گوید: «الزام به انجام تلاش مقتضی در این ماده، آستانه فعالیت غیرقانونی دولت‌ها را مقرر می‌کند. هدف، ممانعت از ورود زیان قابل توجه نیست، بلکه الزام به رفتار و نه نتیجه است» (ILC, 1994: 239). این عبارات به‌صراحت مبین تبعیت اصل منع آسیب قابل توجه نسبت به اصل بهره‌برداری منصفانه است.

کمیسیون در تفسیر مواد ۲۲ و ۲۳ که در خصوص لزوم حفاظت، حمایت و مدیریت آبراهه‌های بین‌المللی است نیز مقرر می‌دارد که این الزامات شامل وظیفه به عمل و انجام تلاش مقتضی برای جلوگیری از تهدید ورود چنین موارد زیانی است. این مواد استاندارد لازم برای تلاش مقتضی را مقرر می‌دارند. به بیان دیگر، الزام به رفتار است و به‌گونه‌ای معقول و منطقی باید عمل شود تا به نتایج مذکور در این مواد دست یافت (ILC, 1994: 291-292). در واقع، بهره‌برداری منصفانه و معقول از آبراهه‌های بین‌المللی، هدف و نتیجه برای تمام کشورهای این حوضه است، در حالی که منع آسیب، تعهد به رفتار است.

به نظر می‌رسد که در تأیید برتری اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول، کاربست سختگیرانه اصل منع آسیب می‌تواند در شرایط خاص به نتایجی منجر شود که کاملاً منصفانه نیست. قانونی که نتایج غیرمنصفانه و غیرمعقول را تجویز کند، ممکن است از لحاظ حقوقی و اخلاقی ضعیف به نظر برسد. همچنین به استناد تجارب موجود در سایر زمینه‌ها، چنین قوانینی حتی با وجود الزام‌آور بودن، مؤثر نیستند (Lammers, 1984: 318-319). به‌علاوه، در صورت برتری اصل عدم ورود آسیب بر بهره‌برداری منصفانه و معقول، فرصت توسعه برای بسیاری از کشورهای مجاور آبراهه‌های بین‌المللی از دست خواهد رفت (McCaffrey, 1989: 509). اصل منع آسیب به‌عنوان حق وتو برای موارد توسعه پیش‌رو عمل می‌کند و تمایل به حفظ وضعیت موجود دارد (Sherk, 2006: 79).

برتری اصل بهره‌برداری از جنبه دیگر نیز ارزیابی شده است. خاستگاه اصل بهره‌برداری، رویه دولت‌های دارای آب‌های بین‌المللی است و به موجب آن مشروعیت استفاده از آبراهه‌های بین‌المللی با در نظر گرفتن معیارهای مشخص در مورد هر قضیه اعمال می‌شود. این در حالی است که اصل منع آسیب اصلی کلی حقوقی حاکم در روابط میان دولت‌هاست که در مورد آبراهه‌های بین‌المللی هم اعمال می‌شود و باید آن را بر مورد اخیر حاکم دانست (Wouter, 1996: 416). بنابراین با استناد به بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون، باور برخی حقوقدانان مبنی بر تلقی اصل منع آسیب قابل توجه به‌عنوان اصل حاکم بر اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول و نیز تنزل جایگاه اصل بهره‌برداری در حد معیاری صرف در زمان ورود زیان رد می‌شود.

برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند که کنوانسیون آبراهه‌ها، از پرداختن به اینکه اولویت با کدام اصل است، طفره رفته و مشکل در کمیسیون در مورد ارتباط این دو اصل بسیار جدی بوده است. نتیجه مباحث طولانی در خصوص ارتباط این دو اصل، سازش و مصالحه بوده است. در مصالحه صورت‌گرفته، ماده ۷ برای اصل منع آسیب در نظر گرفته می‌شود، اگرچه دو بند دارد که در بند اول آن اصل منع آسیب به‌صراحت بیان شده، اما در ادامه با توجه به بیان جدید این ماده، کشوری که زبانی قابل توجه را وارد می‌آورد، باید اقدامات لازم را برای کاهش یا خاتمه آن طبق مواد ۵ و ۶ انجام دهد. این دو ماده با اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول ارتباط دارند (Salman, 2007: 633).

در مخالفت با استدلال‌های مذکور، معدود صاحب‌نظرانی که از برتری اصل منع آسیب دفاع می‌کنند، معتقدند که این فرمول توسط تعدادی از کشورهای پایین‌دست مفروض انگاشته شده است که کاملاً بی‌طرفانه و تمایلی به بیان تبعیت اصل منع آسیب از اصل بهره‌برداری ندارند. همچنین به باور آنها، اگر اصل منع آسیب قابل توجه، تنها اصل قابل اعمال بود، می‌توانست به شایستگی از وضعیت موجود حمایت کند. برای مثال، حقوق آبی موجود کشورهای پایین‌دست و به‌عبارت دیگر رشد اجتماعی و اقتصادی هر تازه‌وارد به‌ویژه کشورهای بالادست ممکن بود از بین برود و بدین‌وسیله از رشد باز بمانند (Caflich, 1998: 15). بنابراین، تلاش‌ها در راستای متعادل ساختن کنوانسیون برای لحاظ کردن منافع هر دو دسته کشورهای حوضه آبراهه‌های بین‌المللی صورت گرفته است.

۳. ارتباط اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول و منع آسیب قابل توجه در اسناد بین‌المللی

با وجود دیدگاه غالب حقوقدانان به برتری اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول در اسناد و ادبیات حقوقی، باید دیدگاهی متعادل‌تر در این زمینه اتخاذ شود. پیامد طرح موارد متعددی که در بالا به آن اشاره شد، این است که بسیاری از حقوقدانان، اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول را به‌عنوان اصل اولیه در زمینه بهره‌برداری از منابع آبی مشترک قلمداد کنند. اما نمی‌توان از تأکیدی صرف در این باره قائل به وجود تناقض و تعارض میان دو اصل مذکور شد. در ادامه به دلایل وجود همگرایی میان این دو اصل اشاره خواهد شد.

ابتدا باید به خاستگاه اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول، یعنی اصل حاکمیت سرزمینی محدود و مشترک اشاره کرد که امروزه به اصل عرفی حقوق بین‌الملل تبدیل شده است. در واقع، هدف اصلی این اصل، استفاده حداکثری از منابع موجود درون آبراهه بین‌المللی و ورود خسارت حداقلی به محیط زیست و سایر کشورهای این حوضه عنوان شده است. بنابراین، اصل منع آسیب قابل توجه، در درون این اصل نهفته است و امکان تصور یکی بدون دیگری وجود ندارد.

اگرچه در ماده ۷ کنوانسیون در مقام بیان اصل منع آسیب قابل توجه، به لزوم توجه به مواد ۵ و ۶ این ماده که به اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول مربوط می‌شود اشاره شده، اما در مواردی متعدد در بخش‌هایی از کنوانسیون به اصل منع آسیب قابل توجه تأکید شده است. علاوه بر ذکر عبارت «توجه به حفاظت کافی از آبراهه» در بند ۱ و «لزوم مشارکت کشورها در خصوص حفاظت از آبراهه» در بند ۲ ماده ۵، در بخش چهارم کنوانسیون تحت عنوان حمایت، حفاظت و مدیریت و همچنین جلوگیری، کاهش و کنترل آسیب در مواد ۲۰ و ۲۱ به ترتیب، مجدداً بر الزام دولت‌ها به حفاظت از آبراهه‌های بین‌المللی و اکوسیستم آنها برای جلوگیری، کاهش و کنترل آسیب قابل توجه تأکید شده است که از اهمیت این اصل در این کنوانسیون حکایت دارد.

به استناد ماده ۲۱، الزام دولت‌ها به جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی که ممکن است به ورود آسیبی قابل توجه به کشورهای حوضه یا محیط زیست منجر شود، در چارچوب اصل کلی و ماهوی منع آسیب قابل توجه در ماده ۷ و حتی فراتر از آن قرار دارد. بنابراین، در صورت وقوع آلودگی و به‌دنبال آن، ایراد آسیبی قابل توجه، اگر دولت واردآورنده، تلاش لازم را برای کاهش و کنترل آن به میزان لازم و در سطحی قابل قبول انجام دهد، امکان چشم‌پوشی یا پرداخت غرامت با هدف جبران خسارات وجود دارد. هدف از وضع این مقرره، عدم تحمیل مسئولیت بی‌مورد و پیامدهای ناعادلانه آن بر یک طرف، در مواردی است که میان آسیب وارده به دولت آسیب‌دیده با منفعت حاصل برای دولت آسیب‌زننده، تناسب جدی وجود نداشته باشد. در گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز مقرر شده است که پیامد حمایت بیشتر از کشورها برای بهره‌برداری از آبراهه‌ها، بدون توجه به سهم منصفانه سایر کشورها و عدم ایجاد توازن منطقی میان حقوق و منافع کشورها در سهم استخراجی خود، سود بردن کشورهای توسعه‌یافته (که

اغلب مقدم در بهره‌برداری‌اند، از ورود آسیب به کشورهای توسعه‌نیافته خواهد بود که اغلب متأخر در بهره‌برداری هستند. از این رو، باید با ایجاد توازن، نه آزادی کشورها در استفاده از آبراهه‌ها را بی‌جهت محدود ساخت و نه این آزادی را زمینه‌ساز ورود آسیب جبران‌ناپذیر کرد (ILC, 1994: 316). در واقع استانداردی حقوقی مبنی بر این ایجاد شده است که استفاده منصفانه و معقول نباید به آسیبی قابل توجه منجر شود و تناسب لازم باید اعمال شود.

تخصیص منصفانه استفاده از آب‌های بین‌المللی ممکن است در واقعیت به ورود برخی آسیب‌ها، در پرتو نیازهای متعدد و متعارض کشورها منتهی شود. این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که آبراهه بین‌المللی قادر به تأمین تمامی نیازهای متعارض کشورهای مختلف نیست و هدف نهایی این دو اصل، استفاده حداکثری از منابع موجود با به حداقل رساندن آسیب وارده به همه کشورهای است (McCaffrey, 2007: 6). هر کشور، سهمی منصفانه در استفاده از آبراهه‌های بین‌المللی دارد و حق حاکمیتی خود را در این زمینه باید بدون ورود آسیب قابل توجه به سایر کشورها اعمال کند. هر کشور سهمی منصفانه در استفاده از آبراهه‌های بین‌المللی دارد و حق حاکمیتی خود در این زمینه را باید بدون ورود آسیب قابل توجه به سایر کشورها اعمال کند. به همین دلیل در ماده ۱۲ سند برلین نیز به‌درستی استفاده عادلانه به مفهوم استفاده از منابع آب بدون آسیب جدی به سایر دولت‌ها و در نظر گرفتن منافع سایر دولت‌ها مشروط به حفاظت از منابع آب آورده شده است (دینانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۷۷).

تقابل دو اصل عرفی حقوق بین‌الملل (که مورد پذیرش گسترده جامعه بین‌المللی قرار گرفته‌اند)، در خصوص مسئله‌ای واحد، نتایجی متضاد به‌همراه خواهد داشت. بررسی مواد کنوانسیون مبین آن است که هیچ مشخصه‌ای بر دیگری برتری ندارد و اگر منع آسیب وارده به‌عنوان معیاری در تعیین منصفانه و معقول بودن بهره‌برداری در نظر گرفته شده است، ناشی از آن است که هریک از این دو اصل، بخشی از دیگری بوده و با یکدیگر همپوشانی دارند. ایجاد توازن میان اصول ماهوی، موجب تقویت اصل منافع مشترک اما محدود میان دولت‌ها می‌شود و ساختار حقوقی آب‌های فرامرزی را به‌عنوان منابع طبیعی مشترک نمایان می‌سازد (Tanzi, 2020: 14). بانک جهانی نیز که باید اصول حاکم بر حقوق بین‌الملل را در پروژه‌های تأمین مالی خود دنبال کند، اهمیت استفاده منصفانه را در تئوری به رسمیت شناخته است، اما برای اقدامات عملی، به‌علت سادگی در اجرا، منع آسیب جدی را مدنظر قرار می‌دهد و پروژه‌ای را که سبب ایراد آسیب شود، بدون تصویب تمام کشورهای حوضه، تأمین مالی نمی‌کند (شولی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۶). شاید بتوان گفت که معیار اصلی ب تشخیص منصفانه بودن استفاده از یک آبراهه را باید میزان و اهمیت زیان‌های وارده در نظر گرفت (پورهاسمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۷). اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول با اصل منع آسیب قابل توجه ارتباط تنگاتنگی دارند و در کنار اصل شکلی همکاری از ابزارهای مهم برای تحقق توسعه پایدار آبراهه‌های بین‌المللی به‌شمار

می‌روند (شیرازیان و خطیبی، ۱۳۹۴: ۸۳). بنابراین، اصل منع آسیب قابل توجه در کنار و در ارتباط نزدیک با اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول ابزار قانونی ایجاد می‌کند که در زمان بهره‌برداری آسیب و زیانی متوجه دیگر کشورها نشود یا به حداقل خود کاهش یابد و باید گفت که این دو اصل یکدیگر را کامل می‌کنند و هریک بدون دیگری نقص دارد.

اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول و منع آسیب قابل توجه در رویه قضایی

بررسی آرا و احکام قضایی حاکی از این است که بهره‌برداری غیرمنصفانه و غیرمعقول از منابع محیط زیست و ایجاد آسیب در محدوده سایر دولت‌ها، به محکومیت دولت متخلف و الزام آن به جبران خسارت منجر شده است. پرونده گابچیکو-ناگیماروس (ICJ Rep, 1997) از جمله مهم‌ترین آرای موجود در حوزه حقوق بین‌الملل آب و دعاوی مطرح از سوی کاستاریکا و نیکاراگوئه (ICJ Rep, 2018) که در نهایت به صدور رأی جبران خسارت از سوی دیوان در سال ۲۰۱۸ منجر شد، در زمره جدیدترین دعاوی در این زمینه قرار دارند.

در سپتامبر ۱۹۷۷ قرارداد مشترکی میان مجارستان و اسلواکی برای اجرای عملیات ساختمانی سد گابچیکوو در چکسلواکی و ناگیماروس در مجارستان منعقد شد که در سال ۱۹۷۸ لازم‌الاجرا گردید. این پروژه اهدافی چون توسعه منابع آب، انرژی، حمل و نقل، کشاورزی، تولید برق آبی، توسعه کشتیرانی در رودخانه دانوب و حفاظت از منطقه مجاور رودخانه در مقابل سیل را داشت و بر موقعیت یکسان دو کشور در مسائل اجرایی، اداری و مالی پروژه تأکید کرده بود. در سال ۱۹۸۹ انتقاد شدید از اجرای پروژه در مجارستان در پی تحولات سیاسی این کشور و نگرانی‌های محیط زیستی به تعلیق و توقف عملیات در ناگیماروس و دوناکیلیت منجر شد. در پی مذاکرات بی‌نتیجه طرفین و در نهایت اجرای راه‌حل موسوم به واریانت‌سی در سال ۱۹۹۱ توسط چکسلواکی، مجارستان اظهارنامه‌ای مبنی بر فسخ یکجانبه قرارداد در ۱۹۹۲ منتشر کرد. در سال ۱۹۹۳ دو کشور برای ایجاد نظام مدیریت موقتی آبی رودخانه، موافقت‌نامه دیگری را منعقد کردند و رسیدگی به اختلافات خود را بر مبنای قرارداد ۱۹۷۷ و قوانین و اصول کلی حقوق بین‌الملل در دستور کار دیوان قرار دادند (ICJ Reports, Summary 1997/1: 1).

دیوان در نهایت در سال ۱۹۷۹ رأی خود را صادر و مقرر کرد: «تعلیق و خاتمه قرارداد از سوی مجارستان با استناد به ضرورت وجود توافق طرف دیگر به دلیل فقدان خطر جدی و قریب‌الوقوع ذکر شده در ماده ۳۳ طرح مسؤولیت بین‌المللی، تخطی از الزامات حقوقی و قراردادی این کشور بوده، اما این نمی‌تواند مجارستان را از حق بنیادین خود که بهره‌برداری منصفانه و معقول از یک آبراهه بین‌المللی است محروم کند» (ICJ Rep, 1997: para. 78). از نظر دیوان، برای توجیه‌پذیر بودن اقدام دولت از منظر اصل ضرورت، باید تنها ابزار برای

حفاظت از منفعت اساسی دولت موردنظر (مجارستان) در قبال خطری قریب‌الوقوع و شدید باشد، عامل ایجاد آن خطر نبوده و لطمه جدی به منافع دولت دیگر وارد نکند. در قضیه سد، دیوان مجارستان را در ایجاد خطر دخیل دانست (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۵). این می‌تواند آغازگر روند خطرناک نادیده گرفته شدن قواعد حمایت از محیط زیست، با استناد به مقررات موجود در حقوق مسئولیت کشورها باشد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۵).

دیوان همچنین مقرر داشت که اسلواکی با کنترل یکجانبه منابع مشترک آبراهه بین‌المللی و محروم کردن مجارستان از حق بهره‌برداری منصفانه و معقول از منابع آن و تأثیرات مستمر انحراف این آب‌ها بر اکولوژی این منطقه، نسبت لازم در حقوق بین‌الملل را نقض کرده است (ICJ Rep, 1997: para. 85). دیوان به‌صراحت مقرر می‌دارد که توسل به ضرورت موجود در حقوق بین‌الملل، دولت را از پرداخت غرامت و جبران خسارت معاف نمی‌کند و تنها ممکن است رافع مسئولیت بین‌المللی آن باشد. بنابراین، با این استدلال در نهایت مجارستان را به پرداخت خسارت وارده به اسلواکی که به‌دلیل تعلیق و خاتمه یکجانبه قرارداد ایجاد شده بود و اسلواکی را به‌دلیل محروم کردن مجارستان از حق خود با اجرایی کردن راه‌حل موسوم به واریانت‌سی محکوم کرد (ICJ Rep, 1997: para. 48).

دیوان در این پرونده بر لزوم بهره‌برداری منصفانه و معقول تأکید دارد (ICJ Rep, 1997: para. 85). اما ارجاعی روشن به منع آسیب قابل توجه نمی‌دهد. البته، اصل پیشگیری را با توجه به ویژگی جبران‌ناپذیر بودن تخریب محیط زیست بین‌المللی، اجباری قلمداد کرده است (ICJ Rep, 1997: para. 140).

دیوان با تکرار موضع‌گیری دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه رودخانه اودر (PCIJ Rep, 1929) مقرر می‌دارد: «توسعه جدید حقوق بین‌الملل، اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول را برای بهره‌برداری غیرکشتیرانی از آبراهه‌های بین‌المللی تقویت کرده است. تصویب کنوانسیون حقوق قابل کشتیرانی آبراهه‌های بین‌المللی ۱۹۹۷ سازمان ملل شاهی بر این مدعاست» (ICJ Rep, 1997: para. 85). دیوان همچنین در این قضیه مقرر کرد که برقراری نظام آبی مشترک، به روشی بهینه از مفهوم استفاده مشترک از منابع آب‌های مشترک، برای رسیدن به اهداف متعدد ذکرشده در معاهده، بازتابی از بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون آبراهه‌های سازمان ملل است که به موجب آن: «کشورهای حوضه آبراهه‌های بین‌المللی، باید در بهره‌برداری، توسعه و حفظ آبراهه بین‌المللی مشارکت منصفانه و معقول داشته باشند. چنین مشارکتی، شامل حق بهره‌برداری از آبراهه‌ها و نیز مشارکت در حفظ و توسعه آن می‌شود» (ICJ Rep, 1997: para. 147).

رأی دیوان در این قضیه از الزامات و حقوق مذکور در موارد مذکور فراتر نمی‌رود، اما تصویر و ادراک روشنی از حقوق بین‌الملل عرفی در حوضه آبراهه‌های بین‌المللی و مقررات کنوانسیون، در خصوص دو اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول و منع آسیب ارائه می‌دهد. بخش‌های مختلف این رأی نشان‌دهنده گرایش دیوان به این موضوع است. البته دیوان در خصوص راهنمایی و

بیان جزئیات دقیق‌تر در خصوص سؤالات دیگر، بسیار محتاطانه عمل کرده است. برای مثال، در مورد رابطه میان اصل بهره‌برداری منصفانه و الزام به جلوگیری از ورود خسارات محیط زیستی و سایر اصول لازم برای اعمال آن توضیحی ارائه نمی‌دهد (Sands et al., 2012: 318).

در این قضیه، حق یک کشور از یک حوضه به بهره‌برداری منصفانه و معقول از منابع طبیعی دانوب و تکامل و ارتباط این اصل با سایر اصول از جمله منع آسیب قابل توجه با توجه به نسبت لازم در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. تناسب، همان مفهوم تقسیم منصفانه و معقول را می‌رساند که به دیوان اجازه می‌دهد هنگامی که منابع موجود کافی نیستند، میان نیازهای مشترک اما متعارض، تعادل برقرار کند. دادگاه همچنین مقرر کرد که اصل تناسب در اصل حقوقی بهره‌برداری منصفانه تعبیه شده است (Castillo-laborde, 2009: 321). دیوان از اصولی چون تناسب برای ارتباط میان این دو اصل بهره برده است. در واقع، دیوان در این رأی نشان می‌دهد که دولت‌ها در حقوق بین‌الملل می‌توانند با استناد به حاکمیت سرزمینی خود هر اقدامی را در سرزمین خود انجام دهند. البته باید در این زمینه آثار زیست‌محیطی ناشی از اقدامات خود را از جمله اصل پیشگیری، استفاده زینبار از سرزمین، لزوم ارزیابی آثار زیست‌محیطی و توسعه پایدار را مدنظر قرار دهند (بزار، ۱۳۹۶: ۲۰۵) و تناسب نقطه ایجاد این تعادل است.

دیوان در یکی از تازه‌ترین آرای خود در خصوص اختلاف میان دو کشور کاستاریکا و نیکاراگوئه در خصوص بهره‌برداری از رودخانه سن‌خوان و به‌دنبال آن طرح دعوای جدید در خصوص فعالیت‌های صورت‌گرفته توسط کشور نیکاراگوئه در مناطق مرزی می‌توان ارتباط نزدیک و همگرایی دو اصل را اثبات کرد. کاستاریکا در سال ۲۰۱۰ برای حمایت از حقوق حاکمیتی خود، وحدت سرزمینی و عدم مداخله در حقوقش بر رودخانه سن‌خوان و نیز حمایت از اراضی و مناطق زیست‌محیطی شده و جریان آب رودخانه کلورودا، دادخواستی را با ادعای تهاجم، اشغال و استفاده از سرزمین خود و همچنین نقض برخی تعهدات در دیوان مطرح و خواستار صدور دستور موقت دیوان مبنی بر خروج نیروهای نظامی، خودداری از حفر کانال، لایروبی رودخانه و از بین بردن گیاهان شد. دیوان با احراز خطر فوری و واقعی در سال ۲۰۱۳ این دستور موقت را صادر کرد.

پیش از این، نیکاراگوئه در سال ۲۰۱۱ متقابلاً دعوایی را علیه کاستاریکا در دیوان بین‌المللی مطرح و ادعا می‌کند که دولت کاستاریکا با احداث جاده‌ای موازی در مجاورت ساحل جنوبی رودخانه سن‌خوان، مقدمات تخریب محیط زیست را فراهم کرده است. دیوان با درخواست صدور دستور موقت دولت نیکاراگوئه مخالفت کرد. از نظر دیوان، نیکاراگوئه نتوانسته وجود خطری قریب‌الوقوع و واقعی را احراز کند که موجب ورود خسارتی جبران‌ناپذیر می‌شود (زارعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۱-۲۰۹).

دیوان دو پرونده را برای رسیدگی در دستور کار خود قرار داد و در نهایت رأی خود را در سال ۲۰۱۵ در خصوص هر دو قضیه صادر کرد. در خصوص دعوای اول، مقرر کرد: «کاستاریکا

بر منطقه مورد اختلاف حاکمیت دارد و اقدامات نیکاراگوئه از جمله حفر دو کانال جدید و تأسیس پایگاهی نظامی در منطقه مورد اختلاف طرفین غیرقانونی بوده است. از این رو، کاستاریکا محق است که خسارات مادی وارده شده برخاسته از نقض تعهدات نیکاراگوئه را دریافت کند» (ICJ Rep, 2015: para. 142). در خصوص دعوای دوم نیز مقرر کرد: «کاستاریکا از الزام خود مبنی بر ارزیابی آثار محیط‌زیستی در خصوص ساخت جاده در مقابل نیکاراگوئه تخطی کرده که می‌توانست خسارات فرامزری چشمگیری به همراه داشته باشد و نتوانسته وجود حالت اضطراری را اثبات کند که ساخت جاده بدون ارزیابی آثار را توجیه می‌کند. از این رو، خطر قریب‌الوقوعی این کشور را تهدید نکرده است (ICJ Rep, 2015: para. 159).

دیوان در این رأی، همانند آرای سابق خود در قضیه کارخانه خمیر کاغذ و سلاح‌های هسته‌ای مقرر کرد: «یک دولت موظف است درون سرزمین خود یا مناطقی که تحت حاکمیت آن قرار دارد، از فعالیت‌هایی خودداری کند که ممکن است به آسیب قابل توجه به محیط زیست سایر دولت‌ها منجر شود» (ICJ Rep, 2015: para. 118). در ادامه نیز مقرر می‌دارد: «هر دولت باید تلاش لازم و مقتضی را برای جلوگیری از ورود آسیب زیست‌محیطی فرامزری قابل توجه انجام دهد و در صورت احتمال تأثیر مخرب بالقوه فعالیت‌های بالقوه بر محیط زیست سایر دولت‌ها، باید این مسئله احراز شود که آیا خطر مذکور آسیبی قابل توجه به همراه دارد یا خیر (ICJ Rep, 2015: para. 104).

دیوان در ادامه نتیجه می‌گیرد که ساخت جاده در مجاروت رودخانه، اکولوژی و کیفیت آب رودخانه را بر هم زده، خطر ایجاد آسیب فرامزری قابل توجه را ایجاد کرده است و کاستاریکا نتوانسته وجود حالت اضطراری و خطری قریب‌الوقوع را برای تخطی از این الزام اثبات کند (ICJ Rep, 2015: paras. 155, 156). بنابراین، باید ارزیابی‌ها و مذاکرات لازم با همکاری دولت آسیب‌دیده انجام گیرد، تا اقدامات مناسب برای جلوگیری و کاهش خطرهای احتمالی صورت گیرد (ICJ Rep, 2015: para. 173). به موجب رویه اخیر دولت‌ها، انجام ارزیابی آثار محیط زیستی در فرضی که خطر چنین خسارت چشمگیری ناشی از فعالیت‌های صنعتی وجود دارد، تعهد حقوق بین‌الملل عام محسوب می‌شود (زارعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۱).

دیوان بر مبنای معاهده ۱۸۵۸ منعقد شده میان دو دولت، تخطی نیکاراگوئه از حق کشتیرانی کاستاریکا در رودخانه را اعلام می‌کند و معتقد است که شروط مقرر در این معاهده نمی‌تواند ساکنان کاستاریکا را از حق استفاده از رودخانه برای برآوردن نیازهای آسپوری خود و به میزان لازم محروم کند (ICJ Rep, 2015: para. 133). دیوان جایی که این محدوده، مرز میان دو دولت را تشکیل می‌دهد و در خصوص شناسایی محدوده حقوق دولت‌ها در خصوص بهره‌برداری از آبراهه بین‌المللی از تفسیر تکاملی معاهده بهره گرفته (محبی و رضادوست، ۱۳۹۴: ۲۴-۲۵) که به تفسیر موسعی از شروط مقرر در معاهده منجر شده است. به استناد رأی دیوان، ساخت جاده از سوی کاستاریکا در امتداد رودخانه کلورادو آسیبی چندانی به قابلیت

کشتیرانی نیکاراگوئه، میزان رسوبات رودخانه، مورفولوژی، اکوسیستم و کیفیت آب رودخانه وارد نکرده است، بنابراین دلیلی برای بررسی میزان خسارات وارده وجود ندارد و ادعای نیکاراگوئه را رد می‌کند (ICJ Rep, 2015: paras. 196, 207, 23).

دیوان همچنین در این قضیه مقرر کرد که دولت‌ها باید با هدف حفاظت از محیط زیست، اقدامات تنظیمی یا تحدیدی اتخاذ کنند؛ حتی اگر این اقدامات، تأثیراتی محدودکننده بر حقوق سایر دولت‌ها در خصوص یک آبراهه داشته باشد. آزادی کشتیرانی و بهره‌برداری و استفاده کشورهای آبراهه‌های بین‌المللی چارچوب‌هایی دارد که به بهترین صورت، منافع همه دولت‌ها را حفظ می‌کند (ICJ Rep, 2015: paras. 85 - 89). به عبارت دیگر، این استفاده به صورت مشترک اما محدود صورت می‌گیرد.

طبق رأی دیوان، دولت‌ها باید در خصوص فعالیت‌ها و اقدامات درون‌سرزمینی و تحت کنترل خود که می‌تواند آثار مخرب فرامرزی بر منابع آبی مشترک چون رودخانه‌های مرزی و زیست‌بوم آنها داشته باشد، ملاحظات و لازم را مدنظر قرار دهند و اصول ضرورت و تناسب را رعایت کنند تا از ورود خسارت چشمگیر به دیگر دولت‌ها خودداری شود. لازمه این موضوع، بهره‌برداری منصفانه است که به اصل حقوقی عرفی تبدیل شده است. همچنین در صورت بروز خسارت چشمگیر، این خسارات جبران‌پذیر است و باید از سوی کشور واردآورنده آسیب تا در حد امکان وضعیت به حالت سابق اعاده شود (ICJ Rep, 2018: paras. 39 - 43). این موضوع مبین محدودیت دولت‌ها در خصوص بهره‌برداری صورت‌گرفته در خصوص منابع طبیعی مشترک است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود در این رأی نیز از اصولی چون ضرورت و تناسب برای پیوند میان دو اصل ماهوی استفاده شده است. اصل تناسب همانند برابری، کارکردی فنی از قواعد ارائه نمی‌دهد، بلکه در پی نتایجی معقول و عادلانه با توسل به عوامل و معیارهایی است که هدف از آنها دستیابی به نتیجه‌ای مشترک در زمینه‌ای خاص است. اصل حقوقی تناسب که برخاسته از اصل برابری است، روشی خاص برای حل تعارضات و اختلافات میان اصول حاکم بر مسئله‌ای خاص است که می‌تواند در بسیاری از زمینه‌ها از جمله حقوق بین‌الملل اعمال شود (Cottier *et al.*, 2012: 3).

به‌طور کلی، رویه قضایی بین‌المللی بر دو اصل اساسی در مورد استفاده از رودخانه‌های بین‌المللی تأکید کرده است: ۱. هیچ دولتی حق ندارد در سرزمین خود بدون مشورت با دولت‌های دیگر و بدون مذاکره با آنها برای یافتن راه‌حل معقول و منصفانه اقدام به تغییر مسیر رود کند، ۲. هر دولتی که به‌نحوی در تغییر مسیر اقدام کند و سبب وارد شدن خسارت به دیگری شود، مسئول قلمداد می‌شود (Dellapena & Gupta, 2009: 319, 335).

با دسته‌بندی آراء، می‌توان از پراکندگی آشکار، به اصل عمومی «بهره‌برداری منصفانه و معقول» رسید که موجبات اجرای اصول دیگر را نیز فراهم می‌کند و تقابلی میان این اصل با سایر اصول ذکرشده وجود ندارد.

نتیجه گیری

با وجود اشاره بیشتر اسناد حقوقی به دو اصل بهره برداری منصفانه و معقول و اصل منع آسیب مذکور، اصل بهره برداری منصفانه و معقول جایگاهی برتر در دکترین پیدا کرده است و اصل منع آسیب تابع اصل بهره برداری منصفانه و معقول قلمداد می شود. به نظر می رسد که تلاش جامعه حقوقی در جهت پذیرش برابری دو اصل و جلب رضایت هر دو دسته کشورهای بالادست و پایین دست حوضه آبراهه های بین المللی است که در عمل کارآمد نبوده و موجب بروز اختلافاتی متعدد میان کشورهای این حوضه شده است.

دوگانگی ساختگی ایجاد شده از سوی دولت ها نباید مانعی در مسیر مدیریت مشترک آبراهه های بین المللی ایجاد کند. موضع گیری متفاوت دولت ها که با هدف محدود کردن الزامات حقوقی آنها صورت گرفته است، به موقعیت جغرافیایی کشورها برمی گردد، اما باید به این نکته توجه کرد که اگرچه جامعه بین المللی به موجب مرزبندی های سیاسی تقسیم بندی شده است، باید به آن به عنوان یک کل نگریست. ایجاد توازن میان این دو اصل و در نظر گرفتن منافع تمام دولت های جهان باید هدف قرار گیرد. اعمال اصولی چون تناسب و ضرورت نیز که در آرای دیوان بین المللی دادگستری مشاهده می شود، راهگشا خواهد بود.

از منظر این پژوهش، اصول ماهوی حقوق بین الملل آب باید به موازات یکدیگر اعمال شوند؛ از آنجا که در پیوندی نزدیک با یکدیگر قرار دارند. کاربست هریک از این اصول به تنهایی کارآمد نخواهد بود. بررسی مواد کنوانسیون ۱۹۹۷، سایر اسناد حقوقی در این زمینه و به خصوص آرای قضایی مبین آن است که اصل منع آسیب، اصل ماهوی مستقلی در حقوق بین الملل آب است و تقابلی میان این اصل و اصل بهره برداری منصفانه و معقول وجود ندارد. طرح مسئولیت بین المللی دولت ها در صورت ورود خسارت قابل توجه در بسیاری از آرا در کنار لزوم بهره برداری منصفانه و معقول صورت گرفته است. اجرای دقیق اصل بهره برداری منصفانه و معقول مانع ورود آسیب قابل توجه به دولت ها می شود. به بیان بهتر، این دو اصل با یکدیگر همپوشانی دارند و هریک، نتیجه دیگری محسوب می شود. بر این اساس، اگر دولتی از منابع زیست محیطی خود به شیوه ای معقول و منصفانه بهره برداری کند، اصل ۲ یعنی منع آسیب قابل توجه نیز در نتیجه آن تحقق می یابد. این همان نتیجه ای است که می تواند محیط زیست و منافع جامعه بین المللی را حفظ کند، مانع بهره برداری منصفانه و معقول و حق بر توسعه کشورها نشود و در صورت ورود خسارت قابل توجه، مسئولیت بین المللی دولت ها و لزوم جبران خسارت را به همراه داشته باشد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. پوره‌اشمی، عباس؛ ارغند، بهاره (۱۳۹۲)، *حقوق بین‌الملل محیط زیست*، چ اول.

ب) مقالات

۲. بذار، وحید (۱۳۹۶)، «تحلیل محتوای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گابچیکوو-ناگیماروس»، *فصلنامه تعالی حقوق*، ش ۱۸.
۳. پوره‌اشمی، عباس؛ نعمتی، اکرم؛ حیدری، فلورا (۱۳۹۲)، «رژیم حقوقی حفاظت محیط زیست آبراهه‌های بین‌المللی با تأکید بر تنگه هرمز»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، ش ۲۰.
۴. زارعی، سحر؛ پوره‌اشمی، عباس؛ پورنوری، منصور (۱۳۹۶)، «توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست در پرتو آراء و رویه‌های قضایی بین‌المللی»، *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، دوره ۱۹، ش ۳.
۵. شولی، علیرضا؛ وطن‌فدا، عطار؛ آوریده، فریبا (۱۳۹۴)، «بررسی نظریه‌های حقوقی و مقررات تقسیم آب در قوانین و معاهدات بین‌المللی آب‌های مرزی»، *فصلنامه علمی - ترویجی دانشکده علوم و فنون مرز*، دوره ۴، ش ۱۳.
۶. شیرازیان، شیرین؛ خطیبی، عطیه (۱۳۹۴)، «حقوق بهره‌برداری غیرکشتیرانی از آبراهه‌های بین‌المللی با نگاهی به توسعه پایدار»، *توسعه و محیط زیست*، دوره ۲، ش ۴، پیاپی ۸.
۷. عزیزی، ستار؛ موسوی، مهدی (۱۳۹۳)، «پرونده گابچیکوو ناگیماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته‌سازی توسعه پایدار»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۵۵.
۸. محمدی دینانی، منصور؛ ملایی، یوسف؛ بنی‌حبيب، محمدابراهیم (۱۳۹۷)، «اصل بهره‌برداری معقول از منابع آب در حقوق بین‌الملل آب و رویه مورد عمل در ایران»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۱۸، ش ۳.
۹. محبی، محسن؛ رضادوست، وحید (۱۳۹۴)، «تفسیر تکاملی معاهدات در پرتو قضیه اختلاف در خصوص کشتیرانی و حقوق مربوط به آن (کاستاریکا علیه نیکاراگوئه)»، *مجله حقوق بین‌المللی*، ش ۵۳.
۱۰. موسوی، فضل‌الله؛ حسینی، حسین؛ موسوی فر، حسین (۱۳۹۴)، «اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین‌المللی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال هفدهم، ش ۴۸.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Birnie, P & Boyle, A (2002), *International Law and the Environment*, New York, NY: Oxford University Press.
2. Kassa, Tadesse (2013), *International Watercourses law in the Nile River Basin: Three States at a Crossroads*, (Routledge Taylor and Francis Group, London/New York).
3. Lammers, J (1984), *Pollution in International Watercourses*, The Hague: Martinus Nijhoff
4. McCaffrey, Stephan (2007), *The Law of International Watercourses*, Oxford: Oxford University Press.
5. Poorhashemi, Abbas & Arghnd, Bahareh (1392), *International Environmental Law*, Dadgustar Publication, First Edition, Sprin (In Persian).
6. Sands Philip & Peel Jacqueline & Fabra Adriana & MacKenzie Ruth (2012), *The Principles of International Environmental Law*, Cambridge University.
7. The Canadian Yearbook of International law (1997), *The Primacy of the Principle of Equitable Utilization in the 1997 Watercourse Convention*.

B) Articles

8. Abu-zeid, Khaled (2001), "International Water Law from Helsinki Rules to the United Nation Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses", *Water Resources Impact*, Vol. 3, No. 4.
9. Alsharhan, S & Wood, W (2003), "Water Resources Perspective, Evaluation, Management and Policy", *Elsevier Amsterdam the Netherland*
10. Amdetsion, Fasil (2012), "Where Water is Worth More Than Gold: Addressing Water Shortages in the Middle East & Africa by Overcoming the Impediments to Basin-Wide Agreements", *SAIS Review, Johns Hopkins University Press*, Vol. 32, No. 1.
11. Azizi, Sattar & Moosavi, Mehdi (2014), "Gabcikovo-Nagymarous Project: The Role of International Justice Court in Prominence of Sustainable Development", *Journal of International Law*, Issue 53 (In Persian).
12. Bazar, Vahid (2017), "Analysis of the Content of International Court of Justice Opinion in Gabcikovo-Nagymarous Project", *Journal of Law Excellence*, Issue 18 (In Persian).
13. Bourne, Charles (1997), "The Primacy of the Principle of Equitable Utilization in the 1997 Watercourses Convention", *Canadian Year Book of International Law*, Vol. 35.
14. Caffisch, L (1998), "Regulation of Uses of International Watercourses as cited in: S. Salman & L. Boisson de Chazournes (Eds) International Watercourses-Enhancing Cooperation and Managing Conflict, *World Bank Technical Paper*, No. 414.
15. Cottier, Thomas & Echandi, Roberto & Leal-Arcas Rafael & Liechti Rachel

- (2012), "The Principle of Proportionality in International Law", *SSRN electronic Journal*, Working Paper No 2012/38.
16. Del Castillo-Laborde Lillian (2009), "Case on International Watercourses" in: Josep W Dellapenna & Joyeeta Gupta, "The Evaluation of the Law and Politics of Water", *Springer*.
 17. Dellapenna Josep & Gupta Joyetta (2009), "The Evaluation on the Law and Politics of water", *Springer*.
 18. Fisseha, Yimer (1997), "An Assessment of the Convention on the Law of the Non-Navigation Uses of International Watercourses", *Information and Documentation Directorate of the Ministry of Foreign Affairs*, Vol 3, No 2
 19. Mangesha, Zewdu (2015), "The Interplay between the Duty not to Cause Significant Harm and Equitable and Reasonable Utilization Principle", *Bahir Dar University Journal of Law*, Vol. 5.
 20. Margaret, J Vick (2012), "The Law of International Waters: Reasonable Utilization", *Chi-Kent Journals of International and Comparative Law*, 2012, Vol. XII, No 1
 21. Mayor, Benoit (2016), "The Relevance of the No-harm Principle to Climate Change Law and Politics", *Asia Pacific Journal of Environmental Law*, Vol. 19
 22. McCaffrey, Stephan (1989), "The law of International Watercourses: Some recent Development and unanswered questions", *Denver Journal of the law and policy*, Vol. 17, No.2.
 23. Mohebi, Mohsen & Rezadoost, Vahid (2015), "Evolutionary Interpretation of Treaties in the light of the dispute over Navigation and Related Rights (Costa Rica v. Nicaragua)", *Journal of International Law*, Issue 53 ([In Persian](#)).
 24. Mohammadi Dinani, Mansour, Molaie, Yousef & Banihabib, Mohammad Ebrahim (2018), "Reasonable Use of Water Resources in International Water Law and Legal Practice of Iran", *Journal of public Law studies*, Vol.4, Issue 3 ([In Persian](#)).
 25. Moosavi, Fazlollah, Hosseini Hossein & Moosavifar, Hossein (2015), "International Environmental Law Principles in the light of International Judicial Judgements", *Journal of Public Law Research*, Issue 48 ([In Persian](#)).
 26. Pourhashemi, Abbas, Nemati, Akram & Heidari, Flora (2013), "Legal Regime for the Protection of the International Environment with Emphasis on the Strait of Hormuz", *Encyclopedia of Law and Politic*, Issue 20 ([In Persian](#)).
 27. Shirazian, Shirin & Khatibi, Atiyeh (2015), "Non-navigational International Watercourse Law looking at Sustainable Development", *Sustainability, Development and Environment*, Vol 2, Issue 4 ([In Persian](#)).
 28. Shooli, Alireza, Vtanfada, Jabar & Avaride, fariba, (2015), "Investigating the Legal Theories and Rules of Water Distribution in the Laws and International Treaties of Territorial Waters", *Journal of Border Science and Thecnology*, Vol. 4, Issue 13 ([In Persian](#)).
 29. Salman M.A (2007), "The United Nations Watercourses Convention Ten Years Later", *International Water Resources Assosiation*, Vol. 32. No. 1.

30. Sherk, George W (2006), "Determining Equitable Utilization of Transboundary Water Resources: Lessons from the United States Supreme Court¹", Chapter in *NATO Security through Science Series C: Environmental Security*, January 2007.
31. Special Rapporteur (2004), "Second Report on Shared Natural Resources: Transboundary Groundwater", *International Law Commission*, U.N. Doc. A/C N.4/539
32. *Stanford law review* (1959), "the Original Jurisdiction of the United States Supreme Court", Vol.11, No.4.
33. Tanzi, A (2020), "The Inter-relationship between No harm, Equitable and Reasonable Utilisation and Cooperation under International Water Law", *Int Environ Agreements*. <https://doi.org/10.1007/s10784-020-09502-7>, *Springer*.
34. Utton, E Albert (1996), "Which Rule should prevail in International Water Disputes: That of Reasonableness or that of No Harm", *Natural Resources Journal*, Vol.36.
35. Wegerich, Kai & Olsson oliver (2010), "Late Developers and the Inequity of Equitable Utilization and the Harm of Do No Harm", *Water International*, Vol. 35, No. 6.
36. Wouters, Patricia (1996), "An Assessment of Recent Developments in International Watercourse Law through the Prism of the Substantive Rules Governing Use Allocation", *International Watercourse Law*, Vol. 36, Spring.
37. Zarei, Sahar, Poorhashemi, Abbas & Pournouri, Mansour, (1396), "Development of international environmental law in the light of International judicial judgements and precedents", *International Journal of Environmental Science and Technology*, Vol. 19, No.3. (DOI: 10.22034/JEST.2017.11078) (In Persian).

C) PHD Thesis

38. Wedekar, Sudhir Bheusaheb (2017), *India's River Disputes with its Neighbours with Special Reference to Pakistan and Bangladesh*, Dr. Babasaheb Ambedkar Marathwada university.

D) Documents

39. Berlin Rules on Water Resources, 2004, UR, <http://www.orsam.org.tr/en/waterresources/mainDocuments.aspx>.
40. Draft Articles on the Law of Transboundary Aquifers, with commentaries, 2008, A/63/10. Yearbook of the International Law Commission, 2008, vol. II. part two.
41. International Court of Justice (1997), Reports 7.
43. Int'l Law Ass'n, Report of the Fifty-Second Conference: The Helsinki Rules on the Uses of the Waters of International Rivers, August 1966.
44. Report of the International Law Commission (ILC) on the work of its forty-sixth session. UN Doc. A/49/10 1994, available at WWW <hU://-v-unor /la-Tilc/Index htm>.
45. UNWC. (1997). *United Nations Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses*. United Nations General Assembly

Document A/51/869, Adopted by the General Assembly of the United Nations on 21 May 1997. Official Records of the General Assembly, Fifty-first Session, Supplement No. 49 (A/51/49).

46. Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, with commentaries, UN 2001.
47. Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment, Stockholm, 16 June 1972.
48. Draft articles on Responsibility of States for internationally wrongful acts adopted by the International Law Commission at its fifty-third session (2001), Official Records of the General Assembly, Fifty-sixth session, Supplement No. 10 (A/56/10), Chapter.IV.E.1.
49. The Rio Declaration on the Environment and Development, The United Nations Conference on the environment and Development at Rio de Janeiro from 3 to 14 June 1992, A/CONF.151/26, (Vol.I).

E) Cases

50. Trail Smelter Arbitration, RIAA, vol. III, ('Trail Smelter')/ Trail Smelter Arbitration, RIAA, vol. III.
51. Corfu Channel Case (UK v. Albania), ICJ Reports 1949, ('Corfu Channel').
52. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons (Advisory Opinion) [1996] ICJ Rep 226 [29].
53. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v Uruguay) [2010] ICJ Rep 14 [101].
54. Dispute Regarding Navigational and Related Rights (Costa Rica v. Nicaragua), Judgment, ICJ Reports, 2015, as cited in: <https://www.icj-cij.org/en/case/152>.
55. Case concerning the Gabcikovo and Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia) judgement of 25 September 1997, No 135.in: <https://www.icj-cij.org/en/case/135>.
56. Certain Activities carried out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua). Order of 17 April 2018, see in: <https://www.icj-cij.org/en/case/150>.
58. Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), Judgment, I.C.J. Reports 2015.
59. Kansas v. Colorado, 185 US 125 (1902).